

## تحلیل جامعه‌شناختی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری با تأکید بر احکام جنایی در سال ۱۳۹۹

رضا علی‌نسب<sup>۱</sup> و دکتر عیسی بنی‌نعیمه<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۱

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۱۲/۱

چکیده:

امروزه لزوم توجه به تحلیل‌های جامعه‌شناختی در تفسیر مقررات حقوق کیفری، به این دلیل که ارتباط تنگاتنگی با حقوق و آزادی‌های مردم جامعه دارد اهمیت راهبردی غیر قابل انکاری دارد. از جمله مقرراتی که در این خصوص اثرات و چالش‌های اجتماعی بسیار قابل توجهی داشته است قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ می‌باشد. مسأله پژوهش حاضر آن است که با توجه به قانون مهم اخیرالذکر که بسیاری از جرایم را قابل گذشت نموده است و به نحوی از میزان سختگیرانه بودن کیفرهای حبس تعزیری کاسته است، آیا تصویب و اجرای چنین قانونی به لحاظ جامعه‌شناسی جنایی و علت‌های ارتکاب جرایم همخوانی دارد یا خیر. لذا در این رابطه ابعاد مختلف این قانون از قبیل کاهش مدت حبس، افزایش نهادهای مرتبط با تخفیف مجازات حبس و ارفاق در کیفر محکومان بررسی می‌شوند. مقاله حاضر با روش کیفی و ابزار کتابخانه‌ای تنظیم و تحریر شده است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار بدون منطق یکسان و به‌طور بی‌ضابطه اقدام به کاهش حبس تعزیری در ابعاد مختلف نموده است و اینکه جرایم علیه امنیت از قبیل سرقت و یا جرایم خشونت‌آمیز از قبیل آدم‌ربایی موضوع ارفاق قانون‌گذار قرار گیرند خود نوعی از بین رفتن قدرت و قاطعیت و بازدارندگی قانون در جامعه است و لطمات جبران‌ناپذیری را به جامعه وارد خواهد ساخت و به همین موازات پیشنهاد اصلاح سریع قانون و حذف ارفاق‌های بدون منطق در جرایم مهم از این قانون ارائه خواهد شد. مضافاً اینکه رویه قضایی و احکام دادگاه‌ها نشانگر آن است که به‌عنوان مثال جرایم مهمی از جمله سرقت با گذشت شاکه به راحتی مختومه می‌شوند و این امر باعث خواهد شد که احکام دادگاه‌ها و دادرهای جنایی نیز در مبارزه با جرایم از بازدارندگی اندکی برخوردار باشند.

**مفاهیم کلیدی:** قانون کاهش حبس تعزیری، جامعه‌شناسی جنایی، جرایم خشونت‌آمیز، جرایم قابل گذشت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران  
r.nasab64@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران (نویسنده مسئول)  
e.bane.1394@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

قدر مسلم آن است که کاهش و یا حذف مجازات حبس یک دهه است که در قالب طرح در کمیسیون قضائی مجلس مطرح بوده، اما به جهت عدم شفافیت و همچنین نگرانی پیامدهای احتمالی کاهش مجازات حبس مسکوت گذارده شد، تا اینکه با پر شدن زندان‌های کشور، عدم امکان تأمین هزینه‌های سنگین ساخت زندان‌های جدید و یا توسعه و گسترش زندان‌های سابق و هزینه‌های مترتبه دیگر، تصمیم به وضع قانون کاهش مجازات حبس گرفته شد. واقعیت هم این است که ساخت زندان، اداره و نگهداری زندانیان، استخدام و بکارگیری نیروی انسانی (اعم از اداری و ستادی و حفاظتی و امنیتی و ...)، پرداخت حقوق و مزایای آنها و ... هزینه‌های سنگینی بر بودجه عمومی کشور تحمیل می‌نماید. از طرف دیگر زندان، تأثیر اندکی در اصلاح و تنبیه زندانی دارد و حتی در برخی موارد زندانیان تازه وارد، در زندان با تبهکاران حرفه‌ای و یا با جرائم و شگردهای متنوع‌تر و جدیدتر آشنا می‌شوند که منتهی به ایجاد باندها و گروه‌های تبهکاری سازمان‌یافته در زندان می‌گردد. همچنین حبس صرفاً مجازات زندانی تلقی نشده، بلکه بطور غیر مستقیم خانواده وی را به جهت فقر و بیکاری، متحمل آسیب جدی می‌سازد. این نوع آسیب‌ها که بطور غیر مستقیم بر خانواده زندانی وارد می‌شوند یک نوع مجازات غیر مستقیم آنهاست که برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها می‌باشد.

مسأله‌ای را می‌توان اینجا مطرح کرد که آیا سیاست جنایی در قانون کاهش مجازات حبس، از معیار خاصی پیروی و یا استفاده شده است؟ متأسفانه این قانون معیار خاصی را برای کاهش مجازات حبس دنبال نکرده است. مثلاً معلوم نیست چرا مجازات آدم‌ربایی با وسایل نقلیه یا آدم‌ربایی با فریب و نیرنگ (بدون عنف و تهدید) بایستی مجازات کمتری نسبت به آدم‌ربایی با تهدید و عنف داشته باشد؟ این معضل بویژه هنگامی که کودکان (اشخاص زیر پانزده سال) مورد آدم‌ربایی قرار می‌گیرند از حساسیت بیشتری برخوردار است. علی‌القاعده برای ربودن کودکان در هر حال (خواه با نیرنگ و فریب و یا با تهدید و عنف) باید مجازات سنگین اعمال شود نه اینکه ربودن کودکان بی‌پناه که آسیب جدی روانی به آنها و خانوادشان وارد می‌شود، به صرف اینکه با عنف و تهدید نبوده، مجازات کمتری از ربودن افراد بزرگسال (با عنف و تهدید) داشته باشد. روح قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ مؤید آن است که قانون‌گذار، حمایت کیفری خویش را از اموال و دارایی شخصی و اعتبار و شخصیت اشخاص را کاهش داده است.

کاهش حمایت کیفری قانون گذار از اموال، دارایی، اعتبارات و شخصیت اشخاص در ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی) بیشتر ملاحظه می‌شود، توضیح آنکه قانون‌گذار با افزایش جرائم قابل گذشت از ۲۲ جرم (به شرح ماده ۱۰۴ سابق قانون مجازات اسلامی) به ۵۹ جرم، کاهش و تقلیل حداقل و حداکثر مجازات حبس‌های تعزیری درجه چهار تا درجه هشت مقرر در قانون برای جرائم قابل گذشت به نصف، نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست جنایی تقنینی در مسیر کاهش نظارت حکومت بر جرائم علیه اموال و دارایی‌های اشخاص، نقش حاکمیت در بسیاری از جرائم را، بسیار کمرنگ کرده است. کاهش نظارت حاکمیت در طرح شکایت، جمع‌آوری ادله و تعقیب مرتکبین جرائم قابل گذشت، بشرح ماده (۱۰۴)، اصلاحی قانون مجازات اسلامی (با رعایت ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹) از جهاتی حسن و در مواردی ایراد تلقی می‌شود.

از آنجا که در هر قانون پیام‌هایی به شهروندان به‌عنوان مخاطبان قانون منتقل می‌شود، پرسش این است که آیا تلقی شهروندان از قانون فوق، با سیاست جنایی تقنینی در تقابل و در نهایت سبب شکست این سیاست خواهد شد؟ چرا که در این قانون رگه‌هایی از حمایت از یقه‌سفیدان مشاهده می‌گردد؛ همچنین در مقدمات طرح مجلس، جهت توجیه آن به فقدان سابقه شرعی برای حبس اشاره شده است. ولی آیا این تمسک صحیح بوده و این گشاده‌دستی محل تأمل نیست؟ آموزش جرم، تولید مجرم، هدر رفتن منابع مادی و معنوی، هزینه‌های بالای اقتصادی، فروپاشی خانواده‌ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی و ... از جمله دلایلی هستند که ادامه رشد زندان و شاخ و برگ گرفتن این ساختار منحوس را غیر معقول می‌نماید (Behrmand, 2017:358).

با این وجود و با پذیرش اینکه مجازات زندان در کشور ما به طریق مطلوبی انجام نمی‌شود، باز هم این مورد دلیلی برای اینکه از این مجازات صرف‌نظر کنیم نیست. مجازات حبس مجازات شناخته شده‌ای است، توصیه کارشناسان جهانی نیز حاکی از آن است که تا زمانی که بشریت نتوانسته مجازات جایگزین مناسب برای حبس پیش‌بینی کند، باید از آن استفاده کرد؛ مخصوصاً در جرائم مهم نمی‌توان جایگزین مناسبی برای این مجازات پیدا کرد. کسی که اقدام به بهره‌برداری کلان، جعل اسناد رسمی، جاسوسی یا سرقت‌های بزرگ می‌کند، اگر برای او به مجازات‌های جایگزین که بسیار خفیف‌تر از مجازات حبس می‌باشد، بسنده کنیم، نخواهیم توانست نظم را در جامعه استقرار بخشیم (Yousefinejad & Aghajani, 2017:27-43).

سیاست جنایی به شدت تحت سیطره اندیشه‌ها، مکاتب و جریان‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر هر جامعه قرار دارد و این آموخته‌های کلی هستند که در قالب سیاست‌های تقنینی قضایی و اجرایی به تبیین راهبردهای اصولی به منظور مهار پدیده بزهکاری می‌پردازند. افزون بر آن یافته‌ها و دستاوردهای علوم جنایی نظیر جرم‌شناسی، کیفرشناسی و جامعه‌شناسی به همراه اصول و ضوابط بین‌المللی و نظام حقوق بشری، نقش مهمی در روند شکل‌گیری و مسیریابی سیاست جنایی دولت‌ها ایفا می‌نماید. از این‌رو به اقتضای نوع حکومت‌ها و وظیفه خاص هر جامعه، طبقه‌بندی‌های گوناگونی از سیاست جنایی، با الهام از یافته‌های علمی و آموزه‌های ایدئولوژی وجود دارد (Szabo, 1998:38).

قانون‌گذار ایران به خصوص در بُعد مسائل کیفری، دارای میدان دیدی محدود بوده و در تدوین قوانین جزایی در چارچوب تفکرات خود محبوس مانده است. قانون‌نویسان ما از روش‌های علمی در تدوین قوانین بهره نبرده و تعجیبی ندارد که به دنبال تصویب قوانین بلافاصله ناچار به اصلاحاتی در آن شده‌اند (Noorbaha, 1999:124-125). از این‌رو قوه قانون‌گذاری باید متفکر متخصص و واجد صلاحیت‌های ضروری باشد تا بتواند در تدوین سیاست جنایی پویا و هدفمند مشارکت فعال داشته باشد (Milki, 2004:148).

گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ به لحاظ جامعه‌شناختی با چه رویکردی و چه ملاحظاتی روبه‌رو می‌باشد و این موارد آیا با رویکرد جامعه‌شناختی همخوانی دارد یا خیر؟ در این راستا به نظر می‌رسد که گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ هیچ تناسبی با ملاحظات جامعه‌شناختی جنایی ندارد، چرا که در این قانون صرفاً به کاهش جمعیت کیفری توجه شده است.

بررسی‌های انجام شده در زمینه حقوق کیفری نشانگر آثار زیان‌بار کیفر حبس است که علاوه بر فرد، خانواده وی و جامعه را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد و هزینه‌های گزافی را متحمل می‌سازد. به همین دلیل، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کیفری به کیفرزدایی که یکی از مصادیق آن مجازات حبس است توجه ویژه دارند. آخرین اراده مقنن در حقوق کیفری ایران در این خصوص قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ است که با راهکارهایی چون کاهش مجازات حبس برای برخی جرایم، تغییر مقررات تعدد، تکرار جرم و تخفیف و ایجاد الگوی فرضی یا رهنمود محور در تعیین کیفر مترصد کاهش جمعیت کیفری زندان بوده است. چرا که، دکترین حقوقی معتقدند که مجازات حبس آثار سویی دارد مرتکب جرم و خانواده او و نظام اجتماعی را متضرر

می‌گرداند برای مثال از نظر مکتب دفاع اجتماعی اجرای مجازات باید دارای نفع اجتماعی باشد، در حالی که اجرای مجازات در برخی موارد مانند حبس‌های کوتاه‌مدت فاقد چنین خصیصه‌ای است؛ و امروزه سیاست حبس‌زدایی به‌عنوان یکی از مصادیق کیفرزدایی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. امروزه در راستای آثار منفی برخی از حبس‌های طولانی‌مدت در جهان و همسو با ملاحظات جرم‌شناختی انتقادی، بویژه شاخه نوین جرم‌شناسی محکومان، سیاست‌گذاران جنایی اقدام به بازنگری در مقررات خویش نموده‌اند و در کنار پالایش مدت حبس‌ها، مقررات را با اقتضائات جامعه و تحولات کیفرهای جایگزین و اجتماعی به روز نموده‌اند. در حقوق کیفری ایران با وجود اینکه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی راهگشای سیاست جنایی مبتنی بر حبس‌زدایی بوده ولی در کاهش جمعیت کیفری زندانیان تأثیر محسوس و قابل قبولی از منظر سیاست‌گذاران نداشته است. هر چند که این ادعای ضمنی در تصویب این قانون خود نیازمند بحث و بررسی جدی است اما تصویب قانون کاهش نوعی اذعان عملی به این واقعیت تلقی می‌شود و آمار زندانیان و نگاهی به آمار شعبات اجرای احکام تا قبل از این قانون خود گواه این موضوع می‌باشد.

سیر صعودی آمار زندانیان و عدم استفاده قضات از مقررات تعویق و تعلیق و جایگزین حبس و ... قانون‌گذاران ایران را بر آن داشت تا سیاست‌های نوینی را جهت کنترل و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها اتخاذ کنند. یکی از این موارد دستورالعمل «ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» بود که در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ توسط رئیس قوه قضاییه ابلاغ شد. در همین راستا در آخرین روزهای فعالیت مجلس دهم در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹ «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» در ۱۵ ماده به تصویب رسید. قانونی که با وجود ابلاغ و اجرایی شدن آن این روزها انتقادات زیادی به آن وارد می‌شود و ابهامات زیادی دارد که منجر به صدور نظریات مشورتی متعدد با وجود مدت کوتاه از زمان تصویب آن شده است. از این‌رو مجازات حبس و مشکلات زندان‌ها در دهه‌های اخیر تبدیل به یکی از موضوعات و چالش‌های مهم حقوق کیفری کشورمان شده است، جهت‌گیری قوه قضاییه در مقام اجرای قوانین در دو دهه اخیر در راستای کاهش زندانیان در قالب استفاده گسترده از مرخصی و عفو نشان می‌دهد که قوه قضاییه همواره با استفاده گسترده از مجازات زندان به‌ویژه در جرایم کم اهمیت مخالف است. در دوران جدید مسئولیت ریاست قوه قضاییه که دوران تحول نامیده شده است در سند امنیت قضایی (سند تحول قوه قضاییه کاهش جمعیت کیفری) به‌عنوان یک برنامه راهبردی مورد

تأکید است. اما؛ کاهش مجازات حبس نیز بایستی به گونه‌ای باشد که موجب تجری مجرمان و به مخاطره افتادن حقوق بزه‌دیده و جامعه نشود. قانون‌گذار ایران قطعاً به این نتیجه رسیده است که حبس‌های تعزیری در قوانین ما بسیار گسترده و زیاد هستند و قطعاً این موضوع را مد نظر قرار داده که قانون خفیفی که قطعاً اجرا شود؛ بهتر است از قانون سنگین که گاهاً اجرا شوند و به‌عبارتی بهتر است از قانون جزا به‌عنوان یک مترسک برای ترساندن مجرمان بالقوه و بالفعل استفاده نشود، در واقع با ناکارآمد بودن مجازات سالب آزادی (حبس) و شکست نظریه اصلاح و درمان از علت‌های اصلی کاهش و تقلیل مجازات حبس تعزیری و روی آوردن قانون‌گذار به مجازات‌های جایگزین حبس است. و با این رویکرد شاهد اتخاذ سیاست جنایی متضمن تدابیر کیفری و غیر کیفری در کاهش جمعیت کیفری هستیم. سوابقی از موضوع حاضر به شرح ذیل وجود دارد:

۱- در مقاله‌ای تحت عنوان، تحلیل و بررسی جرایم قابل گذشت در قانون کاهش مجازات حبس مصوب ۲۳/۰۲/۱۳۹۹ مجلس شورای اسلامی، نویسنده: شهرام شجاعی و عیسی بنی‌نعیمه (۱۳۹۹). بیان شده؛ جرائم در یک تقسیم‌بندی کلی و عرفی، به غیر قابل گذشت و قابل گذشت تقسیم می‌شوند. جرائم قابل گذشته در مفهوم مضیق خود به آن دسته از جرائمی اطلاق می‌شود که فرایند کیفری آن تنها با شکایت زیان‌دیده از جرم، به جریان افتاده و با گذشت او در هر مرحله، این فرایند با صدور قرار موقوفی، متوقف می‌گردد. در سیاست کیفری ایران، این جرائم از مفهوم واحدی تبعیت کرده و تغییر مصادیق قانونی آن و ابداع برخی نهادهای مشابه، خللی به اصالت مفهومی آن وارد نکرده است. در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این مرزبندی و جداسازی تا حدودی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. این مقاله سعی دارد با توجه به قانون کاهش مجازات تعزیری مصوب ۱۳۹۲ جرایم قابل گذشت در این قانون را مشخص کند و به سؤال پاسخ دهد که قانون‌گذار از چه معیاری جهت قابل گذشت و خصوصی کردن این جرایم استفاده کرده است.

۲- پژوهشی تحت عنوان جستاری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ (حسین گرامی و مجتبی فرهمند، ۱۳۹۹)، بررسی‌های انجام شده در زمینه حقوق کیفری گواه بر آثار زیانبار کیفر حبس است که علاوه بر فرد، خانواده وی و جامعه را نیز تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد و هزینه‌های گزافی را متحمل می‌سازد. به همین دلیل، قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کیفری به کیفرزدایی که یکی از مصادیق آن مجازات حبس است توجه ویژه دارند. آخرین اراده مقنن در حقوق کیفری ایران در این خصوص قانون

کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ است که با راهکارهایی چون کاهش مجازات حبس برای برخی جرایم، تغییر مقررات تعدد، تکرار جرم و تخفیف و ایجاد الگوی فرضی یا رهنمود محور در تعیین کیفر مترصد کاهش جمعیت کیفری زندان بوده است. تحلیل میزان توفیق مقنن در این راه و همچنین بررسی ابعاد کاربردی این قانون در این نوشتار مورد بررسی واقع شده است.

روش تحقیق کتابخانه‌ای و نظریات که با استفاده از ابزار کتاب و مقاله و نیز مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی و به وسیله فیش‌برداری صورت می‌گیرد. این تحقیق به صورت توصیفی و تحلیلی و نظری انجام می‌شود.

بنا بر این ملاحظات، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد حبس‌زدایی و در راستای سیاست‌های کلی نظام به تصویب رسید و متضمن ویژگی‌هایی، چون کاهش مجازات برخی عناوین مجرمانه، توسعه جرایم قابل گذشت با نگاه بر کثرت دعوی مطرح در دستگاه قضایی، تغییر مجازات حبس ابد به عنوان حبس درجه یک، تعدیل جزای نقدی مقرر در قوانین متفرقه بر اساس نرخ تورم، انعطاف بیشتر در اعمال جهات مخففه، لزوم استدلال و استناد در تعیین حبس بیش از حداقل میزان مقرر در قانون، امکان تعلیق مجازات در برخی جرایم مانند جرایم امنیتی، جرایم علیه عفت عمومی و کلاهبرداری، گسترده شدن امکان استفاده از نظام نیمه آزادی و تجهیزات نظارت الکترونیکی، تغییر رویکرد نسبت به تعدد و تکرار جرم، نظام‌مند شدن شروع و معاونت در جرم در تمامی قوانین خاص و امکان استفاده بیشتر از تخفیف مجازات در فرض تکرار جرم است.

#### الف) عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

۱- افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها: از جمله مسائل مهم مورد بررسی این قانون در پژوهش حاضر گفتمان‌های کیفرشناختی حاکم بر قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است. بدین تعبیر است که با نگاهی مبنایی در مقام تحلیل گفتمان تورم‌زدایی از زندان در برابر گفتمان عقلانیت در کیفرگذاری قضایی موضوع بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، دلیل اصلی تصویب این قانون را توان در آمار زیاد زندانیان و هزینه گزافی دانست که افزایش روز افزون زندانیان به دولت تحمیل می‌کرد. البته در این قانون علاوه بر کاهش مجازات حبس به مباحث دیگری نیز پرداخته شده است که نه تنها مرتبط به بحث کاهش مجازات حبس تعزیری نیستند بلکه مجازات را به نوعی نیز افزایش داده است. با توجه به

اینکه مجازات حبس پر استفاده‌ترین مجازات در حقوق کیفری برخی کشورهای اروپایی تلقی می‌شود، کیفرشناسان با مطالعه و تحقیقات مختلف راهکارهایی را در جهت افزایش اثربخشی این مجازات پیشنهاد داده‌اند. با توجه به اینکه مشکلات زندان در غالب کشورها یکسان هستند، لذا پیشنهادات مرتبط با رفع این مشکلات قابلیت استفاده در دیگر کشورها را خواهند داشت. راهکارها گاه با تمرکز بر بهبود شرایط حبس و گاه نیز با تلاش در جهت اصلاح رویه‌های زندانبانی مرتبط سعی در قابل تحمل نمودن حبس و شرایط آن در جهت تحقق اهداف اصلاح مدار و بازپرورانه مرتبط می‌نمایند. لذا با نظر به آیین‌نامه‌های مرتبط با اجرای زندان، ابتدا سعی می‌شود تا شرایط زندان بهبود یابد و آنگاه چنانچه حبس‌ها کارگر نباشد، اقدام به کاهش مجازات قانونی می‌کنند، اما در حقوق ایران، به رغم ضعف‌های اجرایی در پیاده‌سازی ضوابط زندانبانی و فراهم‌سازی شرایط با کیفیت اجرای کیفر حبس، قانون‌گذار مستقیماً به سمت تغییر میزان حبس رفته است.

۲- *مقابله ساختاری با رویه قضایی غیر منسجم در تعیین کیفر و الزام به تعیین حداقل حبس:* در قانون جدید مقرر شده است که اگر قاضی تصمیم گرفت در حکم خود مجازات حبس را بیشتر از حداقل مجازات قانونی آن تعیین کند علت را در حکم ذکر کند در غیر این صورت دچار تخلف انتظامی شده است. به موجب تبصره الحاقی به شرح زیر به ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی الحاق می‌شود «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند. عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می‌باشد».

۳- *هزینه بالای کیفر زندان و رویکرد زندان - حبس زدایی در قانون کاهش:* لذا به نظر می‌رسد که هزینه‌های بالای زندان و کمبود ظرفیت در زندان‌ها نه تنها بستری اقتصادی در تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تلقی می‌شوند، بلکه قبل از تصویب این قانون در صورت عدم ظرفیت زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها، قضات در صدور قرارهای منتهی به بازداشت هم می‌بایست دقت لازم را در نظر می‌گرفتند. از دیگر مواردی که به پرنری بستریهای اقتصادی نسبت به دیگر بسترها و نقش آن در تولد قانون کاهش مجازات حبس تعزیری تأکید دارد، تمایل قانون‌گذار به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی، از طرق



مختلف می‌باشد. این تمایل دولت به ایجاد درآمد از ممر جزای نقدی، خود قرینه‌ای بر عاجز بودن دولت از نگهداری زندانیان می‌باشد.

### ب) رویکرد جامعه‌شناختی و تأثیر جرم‌مدار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

۱- افزایش دامنه جرایم قابل گذشت و کاهش مجازات برخی از جرایم قابل گذشت: طبق قانون جدید بر تعداد جرایم قابل گذشت افزوده شده است که و برای تشخیص اینکه یک جرم قابل گذشت است یا نه باید به ماده ۱۰۴ جدید که ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری است مراجعه کرد. جرایمی که طبق قانون جدید قابل گذشت شناخته شده‌اند از قرار زیر است: جعل و تزویر در اسناد و نوشته‌های غیر رسمی - سوء استفاده از ضعف نفس شخصی - توهین به کارمندان دولت - مزاحمت با تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر - تدلیس در نکاح - سوء استفاده از سفید امضا یا سفید مهر - خیانت در امانت - چراندن محصول متعلق به دیگری، تخریب نخلستان، تاکستان، باغ میوه، آسیاب، درخت نخل متعلق به دیگری - تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و تصرف عدوانی و ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در مواردی که املاک و اراضی متعلق به شخص خصوصی باشد - هتک حیثیت رایانه‌ای - سرقت مقرون به یکی از پنج شرط مشدد و کیف بری و جیب‌بری و سرقت ساده و ربایش در صورتی که ارزش مال مسروق بیش از دویست میلیون ریال نباشد و سارق فاقد سابقه محکومیت کیفری باشد - جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایمی که مجازات کلاهبرداری برای آنها مقرر شده یا طبق قانون کلاهبرداری محسوب می‌شود در صورت داشتن بزه‌دیده - تمام جرایم درجه ۵ تا ۸ که مرتکب آنها زیر ۱۸ سال دارد در صورت داشتن بزه‌دیده. علاوه بر این تبصره ماده ۱۰۴ مقرر داشته است که حداقل و حداکثر مجازات حبس تعزیری درجه ۴ تا ۸ در مورد جرایم تعزیری قابل گذشت به نصف تقلیل می‌یابد.

همان‌طور که در جرائم قبل هم گفته شد قابل گذشته تلقی کردن جرائم سبب خواهد شد که بسیاری از پرونده‌ها از روند رسیدگی خارج و این امر باعث خواهد شد تا علاوه بر جلوگیری از اطاله دادرسی در سایر پرونده‌ها از هزینه‌های دولت نیز کاسته شود. لکن در مقابل آن، ایراد شانه خالی کردن دولت در قبال مأمور خود، که ممکن است گاهاً سبب عدم انجام وظیفه گردد به قوت خود باقی است. لکن آنچه که در شرح مذاکرات مجلس بحث و بررسی شده است به نظر می‌رسد علت نص اخیر ملاحظات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد. چرا که با توجه به توهین‌های گسترده‌ای که در شبکه‌های

اجتماعی و جامعه به بعضی از مسئولین می‌شود، اگر بخواهیم این جرم را غیر قابل گذشت و به تبع آن بدون شکایت بزه‌دیده قابل طرح در دادگستری بدانیم، شاید سخن گفتن از یک دادگستری مستقل جهت رسیدگی به مقررره موضوع ماده (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی تعزیرات، آن هم تنها برای عده‌ای از مسئولین گزاف نباشد.

### ج) رویکرد جامعه‌شناختی به جرایم خشونت‌آمیز علیه تمامیت جسمانی و تمامیت معنوی

۱- جرم/ایراد ضرب و جرح عمدی موضوع ماده (۶۱۴): مطابق ماده (۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ جرم فوق به استثنای تبصره آن به مجازات حبس درجه شش تقلیل یافته است؛ که جدای از تأمل نسبت به ماهیت جرم ارتكابی که از زمره جرائمی است که حامل خشونت شدید علیه تمامیت جسمانی می‌باشد. به نظر می‌رسد تفکیک تقلیل بین جرم موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات و تبصره آن، در ماده (۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ محل تأمل باشد. چرا که اگر جرم موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات می‌بایست مورد تقلیل قرار گیرد، بنا به قیاس اولویت جرم موضوع تبصره که جرمی خفیف‌تر و با خطر کمتر است نیز باید چنین تقلیلی انجام می‌گرفت. دلیل رویکرد دوگانه سیاست جنایی قانون‌گذار در بند (الف) ماده (۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نه تنها هویدا نیست بلکه بسیار محل تأمل می‌باشد. تا جایی که ما در اصل ماده و تبصره آن، هر دو شاهد مجازات حبس تعزیری درجه ۶ هستیم و از مجرم حسابگر چه انتظار است که در موارد فوق که مجازات تقریباً مشابهی پیش روی دارند کار را تمام نکنند؟ رعایت نکردن توازن بین جرم و مجازات سبب عدم کارکرد بازدارندگی مجازات‌ها خواهد شد. علاوه بر آن، عدم تناسب بین جرم و مجازات سبب تمایل ارتکاب جرائم خفیف به سمت جرائم شدید است. چرا که مطابق اصول بازدارندگی، در صورتی که مجازات جرائم بزرگ از جرائم کوچک کمتر باشد یا اینکه مجازات آن‌ها برابر باشد، مجرمین با لحاظ قاعده محاسبه‌گری و لذت حاصل از جرم، جرم شدیدتر را مرتکب خواهند شد (Elham & Mohammadi, 2012). بنابراین به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای جرم فوق از منظر ارباب و بازدارندگی که از اهداف تعیین مجازات‌ها می‌باشند پیروی نکرده، این عدم توازن بیش از هر چیز در قیاس بین دو جرم و مجازات آنها در یک ماده قانونی احساس می‌شود. جرم موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات یک جرم خشن علیه تمامیت جسمانی اشخاص می‌باشد که

اگر آن را خطرناک‌ترین جرم ندانیم لااقل همگان پس از قتل، جرم موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات را یکی از شدیدترین جرائم علیه تمامیت جسمانی تلقی می‌کنند، چرا که هیچ انسان خردمندی تفاوتی از منظر قبح بین جرم قتل و جرم منجر به زوال عقل نمی‌داند و این پذیرفته نیست که شخص جانی که مرتکب جرم موضوع ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات شده و عارضه آن منجر به زوال عقل شده است تنها به ۶ ماه حبس محکوم شود و در عمل نیز، مجازات جایگزین بنا به میزان حبس مندرج در حکم برای وی اجرا گردد. لذا به نظر می‌رسد این تقلیل قانون‌گذار در رابطه با جرم ایراد ضرب و جرح و جهت‌گیری سیاست جنایی تقنینی در رابطه با پاسخ به این جرم، قدرت بازدارندگی عام و خاص را به شدت با کاهش روبرو کرده و نسبت به مسئله اصلاح نیز با توجه به تصریح قانون‌گذار به «چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و سیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد» مشخص می‌شود که مجرم مورد نظر یک مجرم خطرناک است که آزادسازی آن ریسک بزرگی برای جامعه خواهد بود. لذا قانون‌گذار از منظر متغیرهای مربوط به ریسک بزه‌کاران نیز دقت عمل کافی را لحاظ نکرده است. مضافاً اینکه ثابت شده است که رابطه معناداری بین مجرمین خطرناک با تکرار جرم وجود دارد و تکرار جرم محصول چیزی جز عدم موفقیت در هدف اصلاحی نیست، نتیجه آنکه به نظر می‌رسد سیاست جنایی تقنینی در تقلیل مجازات جرم مندرج در ماده (۶۱۴) قانون مجازات اسلامی تعزیرات هیچ‌گونه اقدام کارشناسی و جرم‌شناختی انجام نداده و همگان می‌بایست منتظر عواقب ناخوشایند این تغییر باشیم.

۲- جرم آدم‌ربایی موضوع ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی تعزیرات و شروع به آن: جهت‌گیری سیاست جنایی قانون‌گذار در حوزه پاسخ‌ها نسبت به جرم آدم‌ربایی نیز در راستای کاهش استفاده از مجازات حبس بوده و در این راستا ضمانت اجرای جرم آدم‌ربایی را به شکل قابل توجهی مورد تغییر قرار داده است. مطابق بند(ب) از ماده (۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، جرم آدم‌ربایی موضوع ماده (۶۲۱) قانون مجازات اسلامی تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که پیشتر مجازات ۵ تا ۱۵ سال داشت (مجازات درجه ۳) مجازات آن در صورت عنف و اکراه به مجازات درجه ۴ و در غیر این صورت به مجازات درجه ۵ تغییر کرد.

اما نسبت به میزان مجازات، سیاست جنایی قانون‌گذار در استفاده حداقلی از مجازات حبس در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ دو درجه عقب‌نشینی داشته

است، که این دو درجه در مواردی منجر به کاهش ۱۳ ساله مجازات شده، یعنی در مواردی قبل از این اصلاح قاضی دادگاه می‌بایست ۱۵ سال حبس حکم صادر می‌کرد لکن در حال حاضر و با عنایت به اصلاح تبصره ماده (۱۸) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قاضی دادگاه الزاماً باید به حداقل مجازات حبس درجه ۵ یعنی ۲ سال حکم دهد. این یعنی قانون‌گذار بیش از ۷ برابر حمایت خود را در برابر بزه‌دیدگان جرم آدم‌ربایی کاهش داده است، چیزی که نه صائب و نه پسندیده می‌باشد.

۳- *جرایم توهین و افترا*: مجازات توهین و افترا جزای نقدی درجه ۶ می‌باشد. به نظر می‌رسد که اولاً هم خوانی بین جرم و مجازات وجود نداشته و دوماً مجازات پیش‌بینی شده نسبت به بعضی مرتکبین بازدارندگی به همراه نداشته باشد. توضیح آنکه هر شخص با هر لحنی صحبت کرده یا هر دیگری را به ارتکاب جرمی متهم کند و در خواهد گفت که پولش را می‌دهم! بنابراین به نظر نمی‌رسد که این پاسخ آن هم در جامعه ایران پاسخی مناسب باشد. نسبت به تناسب بین جرم و مجازات در بزه افترا نیز بسیاری اشخاصی که موقعیت و حتی درآمد آنها ارتباط مستقیم با محبوبیت یا حرفه‌ای بودن آنها دارد. امروزه نیز با توجه به شیوع استفاده از فضای مجازی اگر گفته شود که تفکیک اخبار موثق از غیر موفق به مثابه پیدا کردن سوزن در انبار کاه می‌باشد گزارف نگفته‌ایم، بنابراین با انتشار یک خبر غیر واقعی راجع به ارتکاب جرمی خاص از طرف آقای (الف)، او را در حرفه و زمینه خاص خود در حکم میت متحرک قرار داده‌ایم. لذا به نظر می‌رسد که جزای نقدی مجازات عادلانه‌ای برای جرائم توهین و افترا نباشد و نسبت به حذف مجازات شلاق نیز همان‌گونه که در جرائم دیگر نیز بیان شد اقدامی پسندیده و مورد تحسین می‌باشد، چرا که مجازات تازیانه به جز اثر تردیلی و تحفیفی اثر دیگری نخواهد داشت.

#### د) رویکرد جامعه‌شناختی و تأثیر کیفرمدار قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

با توجه به ناکارآمد بودن مجازات زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل آسیب‌های ناشی که موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها شده است، دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از مجازات را تا حد امکان محدود نماید. بر این اساس، با توجه به اینکه قانون مجازات موادی را در راستای مجازات جایگزین مقرر نموده است، ولیکن تابحال به علت کاستی و نقص از کارآیی بسزایی برخوردار نبوده است. بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری با هدف کیفرزدایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط زندان)

برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاه‌ها را تغییر داد.

### تغییر در نوع کیفر برخی جرایم

الف) ماده ۶۱۴ که مجازات ضرب و جرحی که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه شود و امکان قصاص هم وجود نداشته باشد به حبس تعزیری درجه ۶ تغییر داده است.

ب) ماده ۶۲۱ که مجازات آدم‌ربایی را در صورتی که به عنف یا تهدید باشد حبس درجه ۴ و در غیر این صورت حبس درجه ۵ معین کرده است.

ج) ماده ۶۷۷ که مجازات تخریب ساده را در صورتی که میزان خسارت صد میلیون ریال یا کمتر باشد تا دو برابر میزان خسارت و در صورتی که خسارت وارده بیشتر از صد میلیون ریال باشد سه ماه تا یک سال و نیم حبس تعیین کرده است.

د) ماده ۶۰۷ و ۶۹۷ که درباره افترا و توهین ساده است و قانون جدید مجازات آنها را به حبس درجه ۶ تقلیل داده است.

و) ماده ۶۸۴ که مجازات چراندن محصول متعلق به دیگری، تخریب تاکستان، نخلستان، باغ میوه و آسیاب متعلق به دیگری را به حبس درجه ۶ و شلاق تا ۷۴ ضربه کاهش داده است.

### توسعه نهادهای ارفاق‌آمیز در تعیین کیفر نسبت به محکومان

۱- گسترش دامنه مجازات تکمیلی: در قانون قدیم قاضی می‌توانست مجازات تکمیلی را برای همه جرایم حدی، قصاص و تعزیر درجه ۱ تا ۶ اعمال کند و تنها استثناء آن جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ و دیات بود اما در قانون جدید قاضی اختیار دارد برای همه درجات مجازات تعزیری، حد و قصاص مجازات تکمیلی تعیین کند و استثناء جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ برداشته شده است.

۲- تغییر نحوه تخفیف در مجازات: در راستای سیاست فردی کردن مجازات‌ها، مقررات مربوط به تخفیف مجازات همواره مطمح نظر مقنن بوده است. در یک تقسیم‌بندی

کیفیات مخففه، به کیفیات مخففه قضایی و قانونی تقسیم می‌گردد. کیفیات مخففه قضایی برخلاف کیفیات مخففه قانونی که بصورت پراکنده در مواد قانونی بخش تعزیرات آمده است، طی فصل چهارم از بخش دوم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب ۱/۲/۱۳۹۲ در مواد ۳۷ و ۳۸ بیان گردیده است. به موازات پیش‌بینی این‌گونه موارد ارفاقی در قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/۱۲/۱۳۹۲ نیز طی موادی من‌الجملة مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ به بیان مقرره‌هایی در خصوص تخفیف مجازات پرداخته است. طبق ماده ۶ قانون مجازات کاهش حبس تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به ترتیب زیر کاهش می‌دهد:

- الف) حبس درجه یک تا چهار: کاهش مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه.
- ب) حبس درجه پنج: کاهش مجازات به حبس درجه شش یا هفت یا تبدیل این مجازات به جزای نقدی درجه پنج.
- ج) حبس درجه شش: کاهش مجازات به حبس درجه هفت یا هشت یا تبدیل این مجازات به جزای نقدی درجه شش.
- د) حبس درجه هفت: جزای نقدی درجه هفت.
- پ) مصادره کل اموال: تبدیل به جزای نقدی درجه یک تا چهار.
- ت) انفصال دائم: تقلیل به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال.
- ث) سایر مجازات‌های تعزیری: کاهش به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر.

۳- گسترش دامنه نظام نیمه‌آزادی و جرایمی موضوع سامانه‌های الکترونیکی: نظام نیمه‌آزادی قبلاً در مورد حبس‌های درجه ۵ تا ۷ اعمال می‌شد اما طبق تبصره‌ای که به ماده ۵۷ قانون مجازات وارد شده است در حبس‌های تعزیری درجه ۲ تا ۴ نیز امکان اعمال نظام نیمه‌آزادی بعد از گذشت یک چهارم از مدت حبس وجود دارد.

در جرایم تعزیری درجه ۵ تا ۸ نیز امکان قرار دادن تحت سامانه‌های الکترونیکی وجود داشت که دامنه این جرایم نیز با تبصره الحاقی به ماده ۶۲ افزایش یافته و می‌توان این سامانه را در مورد جرایم تعزیری درجه ۲ تا ۴ نیز بعد از گذشت مدت یک چهارم از مجازات اعمال کرد.

۴- افزایش مجازات‌های قابل تعلیق: در ماده ۷ قانون کاهش مجازات حبس ماده ۴۷ قانون مجازات که به مجازات‌های غیر قابل تعلیق و تعویق پرداخته بود، دچار تغییراتی شده است و برخی از جرایم غیر قابل تعلیق را قابل تعلیق نموده است از جمله: در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی: در صورت همکاری مؤثر در کشف جرم و شناسایی سایر متهمان تعلیق بخشی از مجازات بلامانع است. جرایم علیه عفت عمومی: تمامی جرایم علیه عفت عمومی به غیر از جرایم مذکور در ماده ۶۳۹ و ۶۴۰ قابل تعلیق‌اند.

کلاهبرداری و جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایم که مجازات کلاهبرداری برای آنها تعیین شده است یا طبق قانون کلاهبردار محسوب می‌شوند: صرف‌نظر از مبلغ آنها قابل تعلیق هستند.

### نتیجه‌گیری

از منظر جامعه‌شناختی جنایی، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ که با هدف تقلیل مجازات حبس‌های تعزیری پا به عرصه حضور گذاشت در عمل با رسالت خویش فاصله گرفت، توضیح آنکه این قانون خود را محدود به تغییرات در مجازات حبس ندانست و به قلمرو دیگر مجازات‌ها از جمله جزای نقدی و شلاق ورود کرد. همچنین در بسیاری از موارد به کاهش مجازات حبس تعزیری اکتفا نکرده، بلکه مجازات حبس را به کلی حذف کرده و یا عجیب‌تر از آن اینکه در مواردی اقدام قانون‌گذار مخالف روح حاکم بر آن قانون و اقدامی تشدیددی بود که اعمال مجازات تکمیلی راجع به جرائم تعزیری درجه هفت و هشت نمونه‌ای از آن است.

با لحاظ سؤالات مقاله حاضر می‌توان نتیجه گرفت که قانون کاهش مجازات حبس تعزیری صرفاً نگاه تقلیل حبس دارد. جهت‌گیری‌های جنایی قانون‌گذار در حوزه جرائم و قبض و بسط دایره جرائم قابل گذشت در ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ اقدامی غیر کارشناسانه بود که به نظر می‌رسد زمینه ایجاد چالش را در بستر جامعه فراهم خواهد کرد؛ توضیح آنکه قابل گذشت انگاری جرائمی که عمده مرتکبین آن بزهکاران یقه‌سفید هستند معنایی جز عقب‌نشینی سیاست جنایی از حمایت بزه‌دیدگان ندارد. مضافاً اینکه بزهکارانی که با حيله، تقلب و جعل اسناد موفق به تصاحب مزدورانه اموال غیر شده‌اند به سادگی راه فرار از تبصره قابل گذشت بودن این جرائم را پیدا خواهند نمود، بنابراین بهتر بود در رابطه با این دسته از جرائم و یا جرائم خشن دیگر،

قانون‌گذار متغیرهای لازم را در قابل گذشت‌انگاری این جرائم مد نظر قرار می‌داد. همچنین با بررسی جهت‌گیری سیاست جنایی تقنینی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ در زمینه جرائم قابل گذشت و قبض و بسط آنها، به نظر می‌رسد قانون‌گذار آن دسته از جرائم را که قابل گذشت تلقی کرده، عموماً از جرائم علیه اموال و اشخاص بوده و تمایلی به قابل گذشت‌انگاری جرائمی که پیکان آن به سمت خود است بر حزر بوده و آنچه که بخشیده از کیسه کسی جز خلیفه (مردم) نبوده است.

در زمینه تعدد و تکرار نیز سیاست جنایی قانون‌گذار بر مسامحه با بزده‌دیده بوده و برخلاف مقررات متعدد و تکرار در گذشته بین جرائم مختلف و مشابه تفکیک قائل شده است.

همچنین در ماده (۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ و در راستای سیاست جنایی حبس‌زدا، قانون‌گذار بر آن شد تا تنها با اصلاح ضمانت اجرای شش جرم نظام غیر متجانس جرائم و مجازات‌های تعزیری را اصلاح کند! با بررسی این شش جرم و کاهش بیش از هفت برابری ضمانت اجرا در برخی از جرایم همچون آدم‌ربایی، تشدید مجازات در جرم توهین، تعارض و شکاف عمیق در جرم تخریب نسبت به متجری نمودن افراد غنی در برابر افراد فقیر و تعارض واکنش در عمل نسبت به این جرم، قانون‌گذار رحمت را بر غیر کارشناسانه و غیر علمی بودن این اصلاح بر ما تمام کرد و ما نیز شکرگذار بسنده این اصلاح هوشمندانه در قالب تنها شش جرم می‌باشیم! همچنین قانون‌گذار مطابق تبصره الحاقی به ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی، توسط ماده (۱۱) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ نظام پاسخ‌دهی به جرائم قابل گذشت را به کلی دگرگون ساخت، توضیح آنکه مطابق تبصره الحاقی به ماده (۱۰۴) قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲ الحاقی ۱۳۹۹) حداقل و حداکثر مجازات حبس جرائم تعزیری درجه چهار تا درجه هشت به نصف تقلیل یافت، این در صورتی است که اولاً هیچ جرمی در ماده (۱۰۴) از درجه یک تا سه نمی‌باشد و دوماً حداقل مجازات حبس در قریب به اتفاق جرائم مندرج در ماده (۱۰۴)، با اعمال تبصره الحاقی به این ماده سه ماه حبس می‌باشد، که مقام قضایی نیز از صدور حکم به کمتر از نود و یک روز حبس منع شده است! بنابراین به نظر می‌رسد آنچه که در واقع رخ داده حذف و نه کاهش مجازات حبس بوده است.

با این وجود در رابطه با جهت‌گیرهای سیاست جنایی قانون‌گذار در زمینه نهادهای ارفاقی، معمولاً ابداعات به صواب انجام پذیرفته. توضیح آنکه توسعه بر خورداری از نهادهای



ارفاقی در صورتی که در جهت اصلاح مرتکب صورت گیرد، با فلسفه واکنش در مجازات‌های تعزیری همسو و بازخورد سودمند آن مکتوم نخواهد بود. همچنین اقدامات قانون‌گذار در حذف مجازات تازیانه در برخی جرائم اقدامی بشردوستانه و به صواب می‌باشد. ماحصل آنکه به‌صورت کلی آنچه نگارنده از برخورد با مواد مختلف قانون کاهش مجازات حبس با توجه به در نظر گرفتن تمامی ضوابط از سوی قانون‌گذار ابهامات و تناقض‌هایی در قانون تصویب شده وجود دارد که می‌توان به اصلاح آن‌ها پرداخت. همچنین نقدهای مختلفی بر این قانون وارد می‌باشد که می‌توان به کوتاه شدن مدت شمول مرور زمان، قابل گذشت شدن جرایم مهم مالی و جرایم علیه آسایش عمومی، افزایش جرایم در صلاحیت مستقیم دادگاه و عدم تناسب احکام و مجازات‌ها با جرم اشاره کرد.

یکی از ابعاد مهم جامعه‌شناختی قانون کاهش مجازات حبس تعزیری افزایش جایگاه بزه‌دیدگان و شکات در ماهیت و نوع کیفر جرایم است که می‌توان اهم مصادق آن را بدین شکل نتیجه‌گیری نمود: افزایش تعداد جرایم قابل گذشت. تأثیر مسلم کنش شاکی بر ماهیت جرایم. تأثیر احتمالی کنش شاکی بر زوال عنصر قانونی جرم. منوط کردن بقا یا لغو مجازات‌های تکمیلی و تبعی به گذشت شاکی و نقش شاکی در تعیین صلاحیت و حدود اختیارات مرجع رسیدگی‌کننده. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیلی، تغییر نگرش قانون‌گذار کیفری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش اثبات‌کننده فرسایش مرزهای حقوق کیفری و نزدیک شدن مفهوم شاکی به خواهان و به تبع آن شکوائیه به دادخواست است که در نتیجه تغییر دیدگاه قانون‌گذار به جایگاه بزه‌دیده در حقوق کیفری و تأثیرپذیری جرم کیفری از ضرر مالی وارده با اشخاص رخ ایجاد شده است.

**References:**

Behrmand, H. (2017). "Detention Policy in the Legislative System of the Islamic Republic of Iran", Tehran, Strategy. (Persian).

Haji Dehabadi, A. (2011). "Reflections on the Punishment of Imprisonment in the Islamic Legal System", Studies in Islamic Jurisprudence and Law, No. 4, pp. 47-68. (Persian).

<https://civilica.com/doc/1150571>.

Jafari, M. (2013). *Sociology of Criminal Law, A Critical Approach to Criminal Law*, First Edition, Tehran: Mizan Publishing. (Persian).

Khademi Darakouyeh, M., Jalali, M., & Dastgheib, N. (2020). Critique of the challenges arising from the passage of the Law on Reducing the Punishment of Imprisonment in 2020, the First National Conference on Law, Jurisprudence and Culture, Shiraz. (Persian).

Khaksar, D., & Gholami, H. (2018). "Iran's Judicial Criminal Policy in Relation to Alternative Punishments to Imprisonment", *Journal of Criminal Law and Criminology Research*, No. 11, pp. 110-115. (Persian).

Sadeghi, M., & Riahi, J. (2009). "Philosophy of applying restrictive punishments from the perspective of ta'zir criteria", *Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law*, Vol. 16, No. 58, pp. 134-145. (Persian).

Tavajohi, A., & Ebrahim Vand, H. (2014). "The need for limited use of negative punishment based on Islamic jurisprudence", *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, No. 68, pp. 79-108. (Persian).

Vaziri, V., & Ramesh, A. (2017). "Effectiveness of reducing recourse to imprisonment from the perspective of criminal management", *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*, Volume 3, Number 3/1, pp. 25-33. (Persian).

Yousefinejad, N., & Aghajani, M. (2017). "Reducing the punishment of imprisonment and the central policy role of the judiciary in the establishment of Arfaqi institutions", *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*, Vol. 3, No. 212, pp. 27-43. (Persian).

## Criminal-Sociological Analysis of the Law Reducing the Punishment of Imprisonment 2020

Reza Alinasab<sup>1</sup>, Isa Bani Naima (Ph.D)<sup>2</sup>

DOI: 10.22055/qjdsd.2022.40115.2622

### Abstract:

The issue of the present study is whether, considering the important law mentioned above, which has made many crimes forgivable and has somewhat reduced the severity of the punishments of imprisonment, whether the adoption and implementation of such a law in terms of criminal sociology and reasons for committing Are the crimes compatible or not? Therefore, in this regard, various aspects of this law, such as reducing the term of imprisonment, increasing the institutions related to reducing the sentence of imprisonment and compassion in the punishment of convicts are examined. The present article has been compiled and written with a qualitative method and library tools. Finally, it can be concluded that the legislator, without the same logic and without discipline, has reduced imprisonment in various dimensions, and that crimes against security, such as robbery or violent crimes, such as kidnapping, are subject to the legislator's mercy. The loss of power, determination and deterrence of the law is in the society and will cause irreparable damage to the society, and at the same time, a proposal will be made to amend the law quickly and eliminate irrational excuses in important crimes of this law. In addition, the jurisprudence and rulings of the courts indicate that, for example, important crimes, such as theft, can easily end with the plaintiff's pardon, and this will lead to the rulings of courts and criminal courts in the fight against deterrent crimes. Have a little.

**Key Concepts:** *Law to Reduce Imprisonment, Criminal Sociology, Violent Crimes, Forgivable Crimes*

---

<sup>1</sup> PhD student in criminal law and criminology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran, r.nasab64@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran (Corresponding Author), e.bane.1394@gmail.com

